

ضرورت شناخت اندیشه «امامین انقلاب»

از منظر سردار سلیمانی

جواد قراباغی

اشاره

بیانات و نظرات امام خمینی رحمه الله و مقام معظم رهبری علیه السلام بر اساس اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله مطرح شده است و این در حالی است که در عرصه های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی، و...، جامعه اسلامی نیازمند این تفکرات ناب و الهی می باشند. بدون شک تا زمانی که ما بر ولایت و تعالیم مقدس اسلامی و پارسایی از ارزش های الهی تکیه کنیم عزت و افتخار از آن ما خواهد بود و دشمن در برابر ما زانو زده و ناتوان ظاهر خواهد شد.

سردار سلیمانی رحمه الله فرمودند: «اگر بخواهیم یک تربیت حقیقی در ابعاد گوناگون و فرضیه هایی در ابعاد دینی و

حکومتی اشاعه دهیم، جامع ترین آن در کلام امام دیروز و امام امروز جامعه ماست. متأسفانه در هر دو جایگاه علمی؛ هم در حوزه مقدس و در دانشگاه محترم، این نظریه؛ مظلوم و غریب است. من خودم دانشجو بودم، آن چیزی که در دانشگاه ها مطرح بود، وصیت نامه امام خمینی رحمه الله به صورت داوطلبانه بود، بحث مقام معظم رهبری علیه السلام که بعید می دانم در قالب درسی در دانشگاه ها وجود داشته باشد؛ بسیار بعید می دانم. در حوزه های علمیه ما باید پایه اصلی تدریس، فکر امام، فقه امام، معرفت عرفان امام، تربیت امام باشد اما این غائب است، مقام معظم رهبری علیه السلام نیز همین طور.»



شهید سردار حاج قاسم سلیمانی علیه السلام که یکی از محبوب‌ترین چهره‌های انقلاب اسلامی و نماد مبارزه با نظام سلطه و ظلم جهانی شناخته می‌شود؛^۱ باور به توحید و به دنبال آن پذیرش ولایت رسول اکرم و ائمه علیهم السلام و در نهایت اعتقاد به ولی فقیه؛ اولین عنصر مکتب سیاسی او است که در رفتار و منش سیاسی او تحت عنوان عقلانیت (در حوزه سیاست داخلی) و مقاومت (در حوزه سیاست خارجی) نمود پیدا می‌کند. زندگی مجاهدانه سردار حاج قاسم سلیمانی علیه السلام مملو و مشحون از سه عنصر: باور به توحید، پذیرش ولایت رسول اکرم و ائمه علیهم السلام و اعتقاد به ولی فقیه است.

«ولایت» در جای جای تصمیمات ایشان تأثیر گذاشته به گونه‌ای که حتی یک لحظه نیز برخلاف خواست و منویات امامین انقلاب اسلامی عمل نکرده است. ایشان علاوه بر اینکه آشنایی کامل با اندیشه امامین انقلاب داشتند؛ همواره نگاهشان را به افق نگاه مقام معظم رهبری علیه السلام دوخته بودند و هرگز فکری جز حرکت برای عزت

اسلام و مظلومان جهان در سر نداشت و زندگی خود را صرف مبارزه با ظالمان کردند و معتقد بودند که شناخت اندیشه امامین انقلاب امری ضروری جهت خدمت به جامعه اسلامی است.

در نوشتار حاضر با بهره‌گیری از فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام و سخنان سردار شهید، به ویژه سخنان ایشان در همایش ملی «نظام فکری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام در گستره فرهنگ»^۲ به این مهم می‌پردازیم. اما با توجه به اینکه اندیشه مقام معظم رهبری علیه السلام استمرار اندیشه امام خمینی علیه السلام است و همچنین این موضوع می‌تواند محتوایی مناسب برای ایام نیمه خردادماه باشد؛ به نظر می‌رسد ابتدا مهم‌ترین اصول اندیشه امام خمینی علیه السلام در فرمایشات رهبر معظم انقلاب علیه السلام ذکر گردد.

مهم‌ترین اصول اندیشه امام خمینی علیه السلام

رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مراسم بیست و ششمین سالگرد ارتحال امام خمینی علیه السلام درباره‌ی خطر «تحریف» شخصیت امام راحل و لزوم بازخوانی «مبانی و اصول» هشدار داده و فرمودند:

۱. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در پیام تسلیت شهادت ایشان فرمودند: «او نمونه برجسته‌ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی علیه السلام بود، او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند»، مورخ: ۹۹/۱۰/۱۳.

۲. به نقل از خبرگزاری شبستان، ۱۳۹۷/۹/۷، شناسه خبر: ۷۴۳۵۴۹.

«مسئله تحریف شخصیت امام علیه السلام خطر بزرگی محسوب می شود، آن راهی که می تواند مانع از این تحریف شود، بازخوانی اصول امام است. امام را نباید به عنوان صرفاً یک شخصیت محترم تاریخی، مورد توجه قرار داد، بعضی این جور می خواهند امام را بشناسند و بشناسانند و این غلط است.»^۱ معظم له علیه السلام در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، به هفت اصل از اصول اندیشه امام خمینی علیه السلام تأکید کردند که به صورت مختصر به ذکر آن ها می پردازیم:

۱. اثبات اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و نفی اسلام آمریکایی

«اسلام ناب از نظر امام بزرگوار، آن اسلام متکی به کتاب و سنت است که با فکر روشن، با آشنایی با زمان و مکان، با شیوه و متد علمی جاافتاده و تکمیل شده در حوزه های علمیه استنباط می شود و به دست می آید. اسلام آمریکایی دوشاخه بیش تر ندارد: یکی اسلام سکولار و دیگری اسلام متحجر.»

۲. اعتماد به وعده الهی و بی اعتمادی به قدرت های مستکبر و زورگوی جهانی

«اعتماد به قدرت پروردگار موجب می شد که امام بزرگوار در مواضع انقلابی خود صریح باشد، چون اتکا به خدا داشت. نه اینکه نمی دانست قدرت ها بدشان می آید و عصبانی می شوند، می دانست؛ اما به قدرت الهی و نصرت الهی باور داشت.»

۳. اعتقاد به اراده مردم و نیروی مردم و مخالفت با تمرکزهای دولتی

«در آن روزها، سعی می شد به خاطر یک برداشت نادرست، همه کارهای اقتصادی کشور به دولت موكول شود؛ امام بارها و بارها هشدار می داد، و ایشان در مسائل اقتصادی، نظامی، سازندگی کشور، تبلیغات و بالاتر از همه در انتخابات کشور به مردم اعتماد داشت.»

۴. حمایت از محرومان و مستضعفان و مخالفت با خوی کاخ نشینی

«همه باید تلاش کنند که محرومان را از محرومیت بیرون بیاورند، تا آنجایی که در توان کشور است به محرومان کمک کنند، امام مکرر می گفت این کوخ نشینان و فقرا و محرومان اند که این صحنه ها را پر کردند، باوجود محرومیت ها اعتراض هم نمی کنند، در میدان های خطر هم حاضر می شوند.»

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در مراسم سالگرد رحلت امام خمینی علیه السلام، مورخ: ۱۳۹۴/۳/۱۴.

۵. مخالفت صریح با جبههٔ قلدان بین‌المللی و مستکبران

«امام با مستکبرین سر‌آشتی نداشت، واژه شیطان بزرگ برای آمریکا، یک ابداع عجیبی از سوی امام بود، وقتی شما یک دستگاهی را، شیطان دانستید، معلوم است که باید رفتار و احساسات شما، در مقابل او چگونه باشد، امام تا روز آخر نسبت به آمریکا، همین احساس را داشت، عنوان شیطان بزرگ را هم به کار می‌برد.»

۶. اعتقاد به استقلال ملی و رد سلطه‌پذیری

«استقلال یعنی آزادی در مقیاس یک ملت. این که بعضی در زبان یا در شعار، دنبال آزادی‌های فردی باشند، اما علیه استقلال کشور حرف بزنند، این یک تناقض است.»

۷. تکیه بر وحدت ملی

«توجه به توطئه‌های تفرقه‌افکن، چه تفرقه بر اساس مذهب شیعه و سنی، چه تفرقه بر اساس قومیت‌ها [از خطوط اصلی امام بود]، تفرقه‌افکنی یکی از سیاست‌های قطعی دشمن بود و امام بزرگوار ما بر روی وحدت ملی و اتحاد آحاد ملت یک تکیه کم‌نظیر داشت.»

ضرورت شناخت اندیشه «امامین انقلاب» از

منظر سردار سلیمانی

سردار شهید، رهبر معظم انقلاب

حکیمی فرزانه و طیب امروز جامعه توصیف کرده و معتقدند که نظریه‌ها و دیدگاه‌های ایشان، محدوده بسیار گسترده‌ای دارد که هر مورد آن کتاب قطوری می‌شود، اما به‌طور کلی این نظریات دارای دو ویژگی است؛ نخست، انطباق این دیدگاه‌ها با نظریات امام راحل؛ زیرا که معظم‌له تربیت یافته و شاگرد امام است؛ ویژگی دوم، توحید محوری است که خارج از بحث توحید، نظریه‌ای ندارند و توحید را آن قدر گسترده می‌بیند که همه کائنات در درون آن است.^۱

۱. ر.ک: «روح توحید: نفی عبودیت غیر خدا»، این کتاب برای نخستین بار در سال ۱۳۵۶ از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی روانه بازار نشر شد. قرآنی‌ترین مقاله کتاب «دیدگاه توحیدی» نوشته رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام با استناد به ۷۸ آیه از قرآن کریم است. معظم‌له در سال ۱۳۵۳ جلسات ظهورهای ماه مبارک رمضان را به موضوع «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» اختصاص می‌داد که شش جلسه آن درباره توحید است و عنوان جلسه یازدهم این سلسله جلسات، با عنوان این مقاله یکی است. در بخشی از این کتابچه «روح توحید: نفی عبودیت غیر خدا» می‌خوانیم: «در روزگار ما، یکی از تأسف برانگیزترین چیزها که باید برای همه پیام‌آوران رهاسازی انسان، همچون فاجعه‌ای تلقی شود، تحریف مفهوم توحید است، یعنی تحریف اصولی‌ترین محتوای ادیان؛ زیرا هیچ مفهوم دیگری را نمی‌توان نشان داد که در سراسر تاریخ بدین اندازه به کار رهاسازی انسان آمده و مبشر نجات خلق‌های ستم‌دیده باشد. اسلام پیامبر، توحید را مانند راهی جلوی پای مردم می‌گذاشت و اسلام دوره‌های بعد آن را چون نظریه‌ای در محافل بحث و مجادله مطرح می‌کرد، آنجا سخن از بینش تازه‌ای درباره جهان و تنوری‌های تازه‌ای برای

موضوعات مهم در اندیشه رهبری

سردار سلیمانی رحمته الله علیه سه موضوع معرفت دینی، معنویت، جایگاه تربیت در نظام اسلامی و فرهنگ اسلامی در نظریات رهبری را مورد اشاره قرار داده و درباره چرایی شناخت اندیشه‌های امامین انقلاب برای جامعه به‌ویژه جامعه علمی می‌فرماید: ما پیوسته در همه موضوعاتی که می‌خواهیم طراحی کنیم نیازمند منابع بالادستی و منابع مادر هستیم؛ شاید کسی بگوید این منابع همان قرآن و سنت است؛ [بله، درست است] اما هر خبره و محقق نمی‌تواند از قرآن و سنت برداشت صحیح و دقیق انجام دهد. این نیازمند متخصصی است که از این گنج برداشت صحیح و دقیق داشته باشد؛ هم برای شناخت مسیر انقلاب و هم مسئولین برای تبیین نقشه راه نیازمند پیاده کردن این اندیشه‌ها هستیم و این کار تشریفاتی و خدمت به رهبری نیست بلکه ضرورتی

حرکت و تلاش زندگی بود و اینجا بحث از ریزه‌کاری‌های کلامی باب اوقات تفنن و فراغت. آنجا توحید، استخوان‌بندی نظام موجود و محور همه روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به شمار می‌رفت؛ اینجا توحید، تابلو نقاشی زیبا و هنرمندانه‌ای که همچون پیرایه‌ای در تالار آویخته باشند، تا همه چیز جمع باشد؛ از یک زائده تشریفاتی، چه نقش فعال و سازنده‌ای می‌توان انتظار داشت؟».

برای خدمت به جامعه اسلامی امروز و نسل جوان است؛ اگر این اندیشه‌ها مورد تحقیق و بررسی قرار نگیرد ته‌اجم فرهنگی چه بر سر فرهنگ ملی و اسلامی ما خواهد آورد لذا راه مقابله با آن تبیین دقیق این نظریه‌ها است.

ایشان با اشاره به اینکه ما درباره امام رحمته الله علیه غفلت کردیم اما تنها کسی که در هر سخن و بیان و پند و سفارشی بر نظریات امام تأکید دارد مقام معظم رهبری رحمته الله علیه است؛ اینکه می‌گوییم تنها کس، زیرا دیگر صداها آن قدر ضعیف است که شنیده نمی‌شود [درحالی‌که] هیچ صحبتی از رهبری پیدا نمی‌کنید که بدون استناد به سخنان امام رحمته الله علیه باشد؛ امام رحمته الله علیه پایه‌گذار نظریات بلند است؛ این دو رهبر الهی مدیریت و رهبری را درهم تنیده می‌دانند و جدا از یکدیگر نمی‌دانند [ولایت و رهبری تنیده در مدیریت] اصلاً ولایت برای مدیریت است برای اعمال نظر فقیه در یک حکومت است، لذا این دو مجموعه تفکیک‌ناپذیر است.

ایشان سه موضوع معرفت دینی^۱،

۱. «معرفت دینی یعنی حضور دین در جامعه،

معنویت، جایگاه تربیت در نظام اسلامی و فرهنگ اسلامی در اندیشه رهبری را به شرح ذیل تبیین می‌کنند:

۱. معرفت دینی

یکی از توصیه‌های جدی مقام معظم رهبری علیه السلام به جوانان و به‌ویژه دانشجویان در طول دهه‌های اخیر؛ ضرورت تقویت مبانی معرفتی است. ایشان برای تشکّل‌های دانشجویی بر دو حوزه خودسازی تأکید ویژه دارد؛ یکی خودسازی معنوی و دیگری خودسازی معرفتی.^۱ خودسازی معنوی (توجه به مسائل اخلاقی) برای این است که دچار انفعال و ناامیدی نشویم. اما خودسازی معرفتی را برای جلوگیری از انحراف مطرح نمودند. جهت جلوگیری از انحراف، باید به دنبال تقویت مبانی معرفتی برویم، چرا؟ زیرا ارزش‌ها یعنی مجموعه بایدها و

نبایدها در موضوعات فردی و اجتماعی مبتنی بر باورهایی هستند. باورها یعنی همان مبانی معرفتی و عقاید. اگر خدای ناخواسته نسبت به این مبانی سست و سطحی باشیم، یعنی برای دین‌داری مان مبانی محکمی نداشته باشیم و عقایدمان را به صورت سطحی و یا احساسی صرف قبول کرده باشیم، به صورت طبیعی نسبت به این هنجارها و ارزش‌ها بی‌تفاوت شده و حتی دچار انحراف اخلاقی، فکری، سیاسی، اقتصادی و ... خواهیم شد.^۲

مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار دانشجویان نمونه و نمایندگان تشکّل‌های مختلف دانشجویی می‌فرمایند: «ما در نظام بحمدالله پیشرفت‌هایی داشته‌ایم، ولی همچنان کار در ابتدای خود قرار دارد؛ ما اول راهیم؛ ما ابتدای راهیم».^۳ ایشان انجام دو کار را در ابتدای راه لازم می‌دانند: اولاً باید نظام را از لحاظ مبانی معرفتی اش کامل کنیم. ثانیاً بنای نظام را باید بر اساس آن مبانی معرفتی کامل کنیم.

سیاست، اقتصاد و اداره کشور و به تعبیری همان جمله‌ی معروف مرحوم مدرس که گفت «دیانت ما عین سیاست ما است. دشمن از آن دینی می‌ترسد که دولت، اقتصاد، قدرت، سیاست، ارتش و سیستم مالی و اداری دارد، بنابراین معرفت دینی صحیح، منفک نشدن دین از زندگی و سیاست است.»، بیانات در دیدار مردم قم، مورخ: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکّل‌های دانشجویی، مورخ: ۱۳۹۹/۲/۲۸.

۲. حجت‌الاسلام الهی‌راد عضو هیات علمی مؤسسه امام خمینی علیه السلام، مورخ: ۱۳۹۹/۳/۱۰.

۳. مورخ: ۱۳۸۵/۷/۲۵.

اگر يك جوان مؤمن بخواهد در عرصه فعالیت های فرهنگی و تشکیلاتی وارد شود، اما آن پایه های لازم را نداشته باشد، بدین معناست که ساختمان و ساختار فرهنگ را به صورت معلق و بر روی هوا بنا کرده است؛ همانند يك ساختمان پنجاه طبقه که انسان روی زمین و بدون فنداسیون بنا کند، بدیهی است که سست است. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب علیه السلام اصرار بر تقویت مبانی معرفتی دارند.

نکته دیگر این است که یک فعال فرهنگی در فعالیت های خود نیاز به حجیت دارد. وقتی يك فعال فرهنگی و يك عنصر تشکیلاتی بخواهد در عرصه انقلاب فعالیت کند و انقلاب را به اهدافش برساند، آیا ملاکی برای تشخیص صحت فعالیت تشکیلاتی دارد یا ندارد؟ همه جوانان انقلابی دغدغه کار فرهنگی دارند. کدام کار فرهنگی مطلوب است؟ از کجا باید بفهمیم؟ سؤال اینجاست که آیا بدون مبانی معرفتی عمیق و محکم و نظام معرفتی مستحکم می توانیم تشخیص بدهیم که الان کار فرهنگی مطلوب چیست؟ آیا در زمین دشمن بازی می کنیم یا در زمین دوست؟ آیا داریم به

نفع دشمن فعالیت می کنیم یا به نفع دوست؟ آیا اولویت های فعالیت های تشکیلاتی و فرهنگی را رعایت می کنیم یا نه؟ اگر مبانی معرفتی و نظام فکری صحیح را نداشته باشد، به میدان مبارزه فرهنگی می رویم و شمشیر می زنیم، اما معلوم نیست که آیا این شمشیر را به سمت خودی یا به سمت دشمن گرفته ایم. پس بحث حجیت تشکیلاتی بحثی بسیار مهم است که برای برخورداری از آن نیازمند مبانی هستیم.

اختلافات فرهنگی و اجتماعی بین مؤمنین و انقلابیون به چه دلیلی پدید می آیند؟ یکی از مهم ترین عوامل اختلاف میان مؤمنین و انقلابیون این است که مبانی آن ها مشترک نیست. یعنی ما گاهی اوقات ناخواسته می خواهیم با مبنای لیبرالیسم غربی با هم سنگر خودمان در جریان فرهنگی همفکر بشویم و يك کار تشکیلاتی مشترك فرهنگی را راه بیندازیم. مگر چنین چیزی می شود؟ بدون برخورداری از مبانی معرفتی مستحکم و نظام مند، ما نمی توانیم به يك وحدت تشکیلاتی درست برسیم و به همین دلیل مشاهده می کنیم که در جریان های درون انقلاب چه پرخاشگری های علیه

برای جلب رضایت آن‌ها است؛ غرب‌زدگی و روشنفکری بر پایه رضایتمندی از یک فرهنگ مهم‌ترین مسئله تأثیر بر معرفت حقیقی دینی است که امروز نه تنها به دانشگاه که به حوزه‌ها هم کشیده شده است؛

۳. عمل دینی بدون عمل (ثمره) و

تحجر: سردار سلیمانی علیه السلام تأکید می‌کنند: امام علیه السلام با چوب بر سر این (تحجر) می‌زدند لذا کسی حکومت اسلامی را متهم نکند؛ این نظریه حاکم اسلامی است که جامعه را مدیریت می‌کند: تحجر سبب فراموش کردن عقل و متوقف نمودن فهم از دین و مانع از تحقق اهداف اسلامی است که نتوانیم لوازم هر لحظه زندگی را بشناسیم و در وضعیت ایستا و بدون انعطاف پیش برویم؛ سردار دل‌ها، یکی از تحجرها در دانشگاه را زمزمه‌های روشنفکری جدایی دین از سیاست می‌داند و با بیان اینکه رهبری نتیجه تحجر را ویرانی و راه مقابله با آن را حاکم شدن عقل و نوآوری‌های علمی در معارف اسلامی که از آن به عنوان اجتهاد نام برده می‌شود، می‌دانند؛ سؤال می‌کند: چرا در دانشگاه‌ها وصیت‌نامه امام را جزو درس‌های داوطلبانه می‌گذارند و بعد لطف کردند دفاع مقدس را هم که نمی‌دانم جزو درس‌های ضروری شده یا

همدیگر راه می‌اندازند. چنانکه مقام معظم رهبری علیه السلام در سخنرانی اخیر خویش ضعف مبانی معرفتی را علت این تقابل‌های خطرناک دانسته‌اند: «چون مبانی معرفتی‌شان ضعیف بود، پایه‌های معرفتی‌شان محکم نبود - حالا به هر دلیلی محکم نبود - این‌ها جذب گروه‌های التقاطی شدند و از یک جوان مؤمن سالم اسلام طلب و مؤمن تبدیل شدند به کسانی که بر روی هم میهن خودشان اسلحه کشیدند. منشأ همه این‌ها همان عدم استقرار فکری بود»^۱.

آفات معرفت دینی غلط در اندیشه رهبری

سردار سلیمانی علیه السلام در خصوص «معرفت دینی»؛ در بیان برخی آفات معرفت غلط دینی از نگاه مقام معظم رهبری علیه السلام چهار مورد را برشمردند:

۱. معرفت کاذب: معظم‌له علیه السلام بالاترین خطر معرفت دینی را معرفت کاذب می‌دانند که اگر معرفت به معنای حقیقی تبیین نشود اغفال عمومی ایجاد می‌شود و برداشت صحیح صورت نمی‌گیرد؛

۲. همگرایی با مخالفان برای جلب رضایت آنان: یکی دیگر از آفات معرفت غلط از نگاه ایشان، همگرایی با مخالفان

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، مورخ: ۱۳۹۹/۲/۲۸.

نه گذاشتند. درحالی که قوی ترین اساتید را برای جامعه شناسی می گذارند اما وقتی به نظریات امام و دفاع مقدس می رسیم دم دستی است؟!؛

۴. التقاط و غرب زدگی و محدود کردن

دین به امر شخصی: سردار سلیمانی رحمته الله یادآور می شود: برای نخستین بار در مسئله کشتار حجاج، امام رحمته الله نظریه اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و اسلام آمریکایی را مطرح کردند که این از ابداعات و ابتکارات امام رحمته الله بود؛^۱ در تبیین اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بر مبنای معرفت دینی عناصر مهمی مانند عقلانیت، علمی بودن و متکی به کتاب و سنت مطرح است و مشخصه اسلام آمریکایی تحجر، التقاط، تحریف، خرافه گویی و بدعت است؛ رهبری معتقد هستند در حوزه اسلام ناب عناصر مهمی چون جهاد، شهادت طلبی، قیام، معنویت و عدالت خواهی باید مورد توجه قرار گیرد. عقلانیت، جهاد، علم و... حکومت می خواهد و بدون حکومت امکان پذیر نیست؛ از مشخصه های اسلام ناب از دیدگاه رهبری ظلم ستیزی،

عدالت خواهی، دفاع از پابرهنگان، امیدبخشی و از بین بردن ترس و جهل در جامعه است که در تبیین اصول و سیاست های کلان نظام همه این عناصر وجود دارد فقط ما مدیران باید اعتقاد به پیاده کردن آن داشته باشیم.

۲. معنویت و اخلاق

ایشان دومین موضوع مهم در اندیشه رهبری را معنویت می دانند.

دومین توصیه رهبر معظم انقلاب رحمته الله در بیانیه گام دوم، معنویت و اخلاق است. ایشان در تفسیر معنویت و اخلاق می نویسند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل اخلاق، ایثار، توکل و ایمان در خود و جامعه است و اخلاق به معنای رعایت فضیلت هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راست گویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. ایشان تأکید دارند: «معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آن ها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند.»

۱. ر.ک: صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۸.

ناظر به نگاه مقام معظم رهبری علیه السلام، معنویت کلیدواژه‌ی اصلی در خودسازی فردی و اجتماعی است. معنویت راهبرد ایشان در تربیت جامعه و اعتلای امت اسلامی است و بر این اعتقادند که عنصر «تقوی» برآورنده همه آنچه خواهد بود که مربوط به ساحت معنویت و سطوح مرتبط با آن است. از این رو، بر تقوای اجتماعی در کنار تقوای فردی تکیه و تأکید کرده‌اند^۱ و اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی را نیز ایمان دانسته‌اند.^۲ ناگفته نماند که معنویت در اندیشه رهبری به این معنا است: «رابطه و اتصال قلبی با خداوند»^۳ و در تبیین مراتب والاتر این نوع ارتباط با خداوند می‌فرمایند: «مجدوب شدن در مقابل لطف الهی»^۴ و ریشه حدوث معنویت را نهفته در «راز و نیاز با خدا و ارتباط دل‌ها با خدای متعال»^۵ دانسته است و لوازم خارجی ارتباط با خدا را «فریب ظواهر دنیا را نخوردن و دل بستگی به زروزیور و زخارف دنیا پیدا نکردن»^۶ قلمداد کرده‌اند. به هر حال معنویت

به معنای انس و ارتباط عمیق با خدا کارآمدی خاصی در متن زندگی انسان داشته و سرمایه رشد و رستگاری فرد و جامعه محسوب می‌شود. بدین جهت ضرورت حضور معنویت و ظهور آن در همه ابعاد حیات انسانی امری روشن بوده و اهمیت راهبردی معنویت در تعالی فرد و جامعه مسئله‌ای آشکار است. این در حالی است که مکاتب غربی از معنویت که نیاز واقعی و اساسی انسان است، غفلت کرده و به نیازهای مادی می‌پردازد و آن‌ها را نیازهای اصلی جلوه می‌دهد.^۷

سردار حاج قاسم سلیمانی در همایش ملی «نظام فکری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای علیه السلام در گستره فرهنگ» با توجه به توصیه مهم رهبر انقلاب علیه السلام در بیانیه گام دوم، فرمودند: «در نظریه اسلام ناب عزت و قدرت و ثروت توأم با معنویت درست است؛ در آسیب‌شناسی جامعه‌ای که اسلام ناب حاکم است و پیاده می‌شود دوری از معنویت و اخلاق، طبقاتی شدن جامعه که رهبری پیوسته در خطابات خود می‌گویند، فعالیت‌های اجتماعی تحت

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، مورخ: ۶۹/۱۱/۱۹.

۲. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، مورخ: ۸۸/۷/۱۴.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، مورخ: ۶۹/۱/۱.

۴. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، مورخ: ۱۳۸۹/۲/۱.

۵. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، مورخ: ۱۳۷۰/۶/۲۷.

۶. همان.

۷. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، مورخ: ۱۳۷۷/۷/۱۲.

حاکمیت فرهنگ طاغوت، خود فراموشی که تبدیل به قاعده شود، مطرح است. در بین سیاستمداران شخصیتی در دنیا مانند ایشان که تا این اندازه اهتمام این چنینی به بصیرت زایی در جامعه داشته باشد وجود ندارد؛ شما ببینید ایشان استانی را کم تر از ۱۰ روز نرفتند، در همین کرمان سفر ایشان ۱۱ روز بود و با اقشار مختلف گفتگو کردند و یا ۳۰ روز ماه رمضان هر روز با یک قشر گفتگو دارند.»

۳. جایگاه تربیت در نظام و فرهنگ اسلامی

بدون شک، تعلیم و تربیت از سیاست های بنیادین اسلام و از اهداف زیربنایی بعثت رسول خدا ﷺ است. پیامبر اسلام ﷺ تربیت را از خویش و خویشاوندانش آغاز کرد و به تعلیم و آموزش نیز از اولین روزهای هجرت همت گمارد. این، خود نشانگر اهمیت آن دو مقوله دینی و قرآنی است. با تفکر، قوای درونی انسان شکوفا می شود و زمینه حرکت کمالی او فراهم می گردد. لذا به همراه علم آموزی و تفکر تربیت یا پرورش اخلاقی و تهذیب نفس نیز مطرح می شود که در اسلام بر این امر بسیار تأکید شده و از همان ظهور اسلام مبادی و مبانی تعلیم

و تربیت به عنوان يك علم بنا نهاده شده است.

رهبر معظم انقلاب عجل الله فرمایند: «یکی از مسائل ارزشمند و کارساز در زندگی بشر، علم و آگاهی است. علم، افزون بر اینکه وسیله ای است برای بهتر زیستن و برای خوب از عهده مسئولیت برآمدن، به خودی خود نیز مطلوب بشر است. برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان.»^۱ بر اساس نگاه رهبری، انسان نیاز مبرم به رشد و پرورش دارد و درست شدن همه امور را به درست شدن فکر انسان گره می زند؛ بر اساس آموزه های اسلام که تزکیه مقدم بر تعلیم است.^۲ چنانچه کسی فاقد تربیت و تزکیه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب عجل الله در اجتماع زنان خوزستان، مورخ: ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

۲. در قرآن کریم سه هدف برای بعثت انبیاء ذکر شده است: تلاوت آیات قرآن بر مردم؛ تزکیه؛ تعلیم کتاب و حکمت؛ که در چهار آیه از قرآن تزکیه و تعلیم ملازم با یکدیگر بیان شده است. (بقره/ ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران/ ۱۶۴؛ جمعه/ ۲) در این چهار آیه، به جز آیه ۱۲۹ سوره بقره، تزکیه بر تعلیم مقدم شمرده شده است. علامه طباطبائی عجل الله در توضیح این تقدم و تاخر می گوید: «در عالم تحقق و خارج، اول علم پیدا می شود، بعد تزکیه، چون تزکیه از ناحیه عمل و اخلاق

باشد حتی علم توحیدی هیچ کمک بصیرتی به انسان نمی‌کند.

با توجه به اراده و اختیار انسان و امکان طرق مختلف که هر یک در بردن انسان به سعادت و یا شقاوت اثر دارد؛ رهبر معظم انقلاب علیه السلام، علاوه بر اینکه وجود مربی را یک مسئله اساسی و راهبردی در تربیت انسان می‌دانند؛ شناخت صحیح از اسلام، را موضوع مهم دیگری بیان می‌کنند. و می‌فرمایند: «تنها راه مقابله با پدیده تهاجم فرهنگی دشمن، شناخت صحیح اسلام در تمام ابعاد و بازگشت به فرهنگی غنی اسلام است.»^۱ زیرا معتقدند همه نمادهای حقیقی و مذهبی اثر تربیتی دارد و اخلاق را از اهداف اساسی تربیت و رکن اساسی تربیت را در دانش، عمل و اخلاق می‌دانند، لذا درس خواندن را امری ضروری می‌دانند که باید از استاد به

تحقق می‌یابد، پس اول باید به اعمال صالح و اخلاق فاضله عالم شد و بعد به آن‌ها عمل کرد تا به تدریج پاکی دل هم به دست آید». تفسیر المیزان، طباطبائی، مترجم: محمدباقر موسوی همدانی، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ص ۴۴۷.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دیدار رؤسای هیئت‌های شرکت‌کننده در اجلاس تأسیسی سازمان مجالس اسلامی با رهبر انقلاب علیه السلام، ۱۳۷۸/۳/۲۶.

شاگرد منتقل شود اما کافی نمی‌دانند و کفایت آن در اخلاق و تهذیب نفس است.^۲ استاد باید به موضوعات بلند استناد و از بکار بردن آنچه به ذهنش می‌آید و یا کلمات قلمبه پرهیز کند؛ فضیلت جویی و گرایش به ارزش‌ها و فضایل اخلاقی را نکته دیگری در تربیت است که جایگاه این تربیت دانشگاه است و کنترل تربیت از راه محبت؛ لذا انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی از راه تقرب وارد شوند.

سردار سلیمانی با استناد به فرمایشات امام خامنه‌ای علیه السلام، کنترل غرایز انسانی را از وظایف مهم تربیتی دانسته و خودسازی، تقوا به معنای پیشگیری از گناه، هشدار دهی، غفلت زدایی، آراستن ظاهری که اثر تربیتی دارد، جلوگیری از نفرت و گریز و موعظه حسنه را از وظایف استادان و مربیان بیان کردند که اگر انسان مراقب کلام خود نباشد و موعظه حسنه را بکار نگیرد، نمی‌تواند منشأ تربیت صحیح شود. لذا استادان باید مراقب کلام خود باشند و به برجستگی محتوای

۲. «به نظر من دانشجوی موفق کسی است که خوب درس بخواند؛ خوب تهذیب اخلاق کند.» بیانات رهبر معظم انقلاب علیه السلام، مورخ: ۱۳۷۷/۲/۲۲.

ارائه شده در تربیت توجه کنند.^۱

۱. بیانات سردار سلیمانی در همایش ملی نظام فکری
حضرت آیت الله العظمی خامنه ای رحمته الله علیه در گستره
فرهنگ، مورخ: ۹۷/۹/۷.